



سخن سردبیر

به نام خداوند احسان و داد

هو الوکیل

اقدام مجلس محترم شورای اسلامی در تصویب طرح اصلاح مواد ۱ و ۶ و ۷ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ که در آن حرفه وکالت کسب و کار تلقی شده است، از یک سو، و اقدام معاونت محترم حقوقی قوه قضاییه مبنی بر تشکیل اداره نظارت بر وکلای دادگستری، از سوی دیگر، موج نگرانی به حقی را در میان دوستداران حق و عدالت، آزادی و جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. با بررسی مبانی شرعی، قانونی و لحاظ مصالح ملت، به دلایل ذیل این اقدامات موجه و قانونی به نظر نمی‌رسد:

۱- **از حیث شرعی:** دفاع از حق، امر به معروف و نهی از منکر و نیز دفاع از مظلوم، شرعاً واجب است. بر اساس مسلمات فقهی آنچه احیاناً در مقابل عمل واجب، پرداخت می‌شود، حکماً عوض تلقی نمی‌گردد. و نمی‌توان عمل مزبور را در زمره متاجر قلمداد نموده و احکام تجارت را بر آن مترتب کرد و به همین جهت است که وکیل، حتی اگر حق الوکاله نیز دریافت نکرده باشد، شرعاً و قانوناً تکالیف خود را دارد و عدم دفاع، شرعاً معصیت و قانوناً تخلف است. در تجارت، کسب سود شخصی، محوریت دارد و رسمیت بخشیدن به این نگاه در وکالت در قالب قوانین مصوب حکومتی، باعث اباحه شرعی و قانونی این نگاه در میان برخی وکلا شده، منجر به یک ضرر عمومی برای عامه مردم و موکلین می‌گردد که در تعارض اساسی با قاعده لاضرر قرار دارد.

۲- **از حیث قانون اساسی:** وکالت و حق دادخواهی به عنوان یکی از مصادیق حقوق ملت (اصول ۱۹ تا ۴۱ با عنوان حقوق ملت) در ذیل مواد ۳۴ و ۳۵ قانون اساسی قرار گرفته است و به جهت پیوند ناگسستنی با دادرسی جزو حقوق عمومی و ابزار دسترسی به دادرسی عادلانه است؛ در حالی که اصل ۴۴ قانون اساسی در ذیل فصل چهارم با عنوان اقتصاد و امور مالی آمده و کسب و کار تلقی کردن وکالت در قانونی که عنوان آن اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است موید عدم درک صحیح تدوین کنندگان مصوبه از اصول قانون اساسی است.

۳- **از حیث مقررات عادی:** وکالت آن چنان اهمیتی دارد که قانونگذار حرمت جایگاه رفیع آن را در قوانین عادی رعایت کرده است: وکیل هم شان مقام قضایی و رئیس کانون وکلای دادگستری هم پایه دادستان استان است. وکلا در مقام دفاع از تأمینات شاغلان شغل قضا برخوردارند و رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در مراجع انتظامی صنف وکالت و رسیدگی به تخلفات هیات مدیره کانونها در صلاحیت دادگاه انتظامی قضات است. بند سیزدهم از «سیاستهای کلی امنیت قضائی مصوب ۱۳۸۱»، وکالت را در ردیف امور قضائی برشمرده و بر اساس تعریف مقرر در بند «ب ماده ۱» «قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد»، کانون وکلا در زمره مؤسسات حرفه‌ای خصوصی، عهده‌دار مأموریت عمومی است.

اقدام معاونت محترم حقوقی قوه قضائیه مبنی بر تشکیل اداره نظارت بر وکلای دادگستری در مغایرت با ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و بند چهارم از متن حکم انتصاب ریاست قوه قضائیه از سوی مقام معظم رهبری بوده و خلق تاسیس غیر قانونی است و قابلیت اجرایی ندارد. ماده ۶ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری اصل را بر نظارت کانونهای وکلای دادگستری بر رفتار وکلا و کارگشایان گذاشته است. تکالیف موردی و استثنایی مقامهای محترم قضایی مصرح در مواد ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای نمی‌تواند با تفسیر موسع، مجوز تشکیل اداره



نظارت گسترده و سازمان یافته بر وکلای دادگستری در زیر مجموعه قوه محترم قضائیه قرار گیرد.

۴- **از حیث هدف:** هدف اصلی وکالت احقاق حق و دفاع از جان، آزادی، حیثیت و مال مردم و تحقق صحیح حقوق و آزادی‌های ملت است؛ لیکن هدف کسب و کار و حرفه‌های مختلف تجاری و اقتصادی کسب منفعت است و سود، رکن ذاتی هر فعالیت اقتصادی است.

۵- **از حیث موضوع:** وکالت در تعبیر فقها نیابت در تصرف است. موضوع وکالت نیابت و نمایندگی از موکل برای اقامه و تعقیب دعاوی و دفاع از حقوق موکلان و متهمان است و همگی جنبه‌ی حقوق بشری، انسانی، اخلاقی، معنوی و خیرخواهانه دارد. وکالت ذاتا عقد رایگان است و اعطای نیابت در برابر عوضی قرار نمی‌گیرد و می‌تواند بدون اجرت باشد. وکالت بدون اجرت به شکل توافقی و در مقام احسان و یا در شکل قانونی آن، یعنی وکالت تسخیری و معاضدتی، موید خروج وکالت از عقود معوض و مالی است؛ در حالی که موضوع کسب و کار فعالیت تجاری و اقتصادی است و جنبه‌های زمینی، مادی و انتفاعی دارد و میان وکالت و کسب و کار تفاوت از زمین تا آسمان است.

۶- **از حیث تشریفات:** اشتغال به حرفه وکالت به لحاظ اهمیت فردی و اجتماعی آن و ارتباط با حقوق عمومی ضابطه مند شده است: تعیین ظرفیت پذیرش وکیل در صلاحیت کمیته‌ای است که اکثریت آن با مقام‌های قضایی است، اجازه اشتغال به وکالت منوط به احراز صلاحیت عمومی و تخصصی و کسب تجربه‌های عملی است، وکلا در همه حال تحت نظارت مقامات قضایی و دادگاه‌های انتظامی است و همانند قضات با ادای سوگند، ردای فاخر وکالت را می‌پوشد.

۷- **از حیث آثار:** تلقی وکالت به عنوان کسب و کار نتایج ناخوشایندی به بار می‌آورد که مقصود و مطلوب واضعان آن نیست: وکیل حق دارد برای کسب سود بیشتر همانند تاجر بکوشد، تبلیغات کند، به واسطه‌ها رجوع کند، تابع قانون عرضه و تقاضا باشد، مشتری‌یابی نماید و معیار هزینه - فایده را بجای ملاک حق - عدالت اعمال کند و

دادگاهها را چون محل کسب و تجارت خویش و قضات و موکلان را چون مشتری یا شریک تلقی کند. به علاوه، آزادی هر شخص برای ورود به کسب و کار و کالت تجاری موجب می‌شود ناهلان بسیاری وارد این نهاد مقدس شوند و بی شک اولین قربانی آن ملت و حقوق عمومی است.

۸- **از حیث تاریخی:** ملاحظه تجربه‌های تاریخی و سیاسی ایران نشان می‌دهد که وکلای دادگستری در دفاع از مظلومان و مدافعان حق و آزادی نقش کم نظیری را ایفاء کرده‌اند. پذیرش و کالت مقامات ارشد جمهوری اسلامی در دادگاههای دوره پهلوی دوم که خطرات آن بسیار بوده و خاطرات آن برای نهاد و کالت افتخار آمیز است، دلیلی محکم بر نگاه غیر کاسب کارانه، آزادی خواهانه و عدالت جویانه و کلاء است

سخن پایانی: انقلاب اسلامی با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی محقق شده و بنیانگذار انقلاب اسلامی در دیدار خود با وکلای دادگستری اقدام حکومت پهلوی در تضعیف استقلال کانون و کلا را تقبیح کردند. هر اقدامی که در جهت محدودیت و تضعیف نهاد شریف و کالت صورت گیرد، به جهت تضعیف یکی از نهادهای مدنی مهم، بی تردید جمهوریت نظام را خدشه دار می‌کند، خلاف اصول شرعی و ماهیت اسلامی نظام است، آزادی‌های مشروع ملت را محدود می‌کند و با ضربه به استقلال و کالت، استقلال و اقتدار قوه قضائیه نیز مخدوش می‌شود.

امیدواریم مجلس شورای اسلامی که به صفت انقلابی بودن مباحثات می‌کند، شورای محترم نگهبان که دغدغه‌های شرعی دارد و نگهبان قانون اساسی است؛ و ریاست محترم قوه قضائیه که تحصیلات فقهی و حقوقی، در کنار چهار دهه تجربه‌های عملی دارند، با اتخاذ تصمیم شایسته نسبت به منتفی شدن تلقی و کالت به عنوان کسب و کار و ملغی اعلام کردن تاسیس غیر قانونی اداره کل نظارت بر رفتار و کلا اقدام نمایند. هر گونه تصمیمی که اتخاذ شود از نگاه نافذ آیندگان و تاریخ پوشیده نخواهد ماند.

وکیل دکتر محمد عابدی

سردبیر فصلنامه وکیل مدافع

